

آوازه‌های خاکستری

www.ketab.ir
هلیا آشتیانی



بهار ۱۴۰۳

آوازه‌های خاکستری

نویسنده: هلیا آشتیانی

ویراستار: مزگان معصومی

شابک: ۷-۴۰-۷۳۶۱-۶۲۲-۹۷۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۴۵۳۱۸۴

نوبت نشر: اول

زمان نشر: بهار ۱۴۰۳

شمارگان: ۲۰۰ جلد

ناشر چاپ: رضا هاشمی

طرح جلد: شروین رحیمی

قیمت: ۲۵۰,۰۰۰ تومان

بسیادآوری اخلاقی و حرفه‌ای:

کلیه حقوق ناشی از این اثر متعلق به انتشارات شادان است و هرگونه استفاده مادی، معنوی و غیره (به هر شکل و در هرگونه بستر واقعی یا مجازی) صرفاً با کسب اجازه رسمی از ناشر (نابینده نویسنده) امکان‌پذیر می‌باشد.

نشر شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی



دفتر مرکزی: تهران

اشرافی اصفهانی - بالاتر از نیایش - خیابان دربندی - شماره ۳۵

تلفن ۲۰ ۲۴۱۰۸۸ - ۸۱ ۱۸۸۰ - ۴۴۸۰ ۱۸۸۰

www.shadan.ir

info@shadan.ir



انتشارات شادان
SHADAN.PUB

در اینستاگرام نیز همراهان باشید

عنوان: آوازه‌های خاکستری پدیدآور: هلیا آشتیانی

تهران: شادان، ۱۴۰۲، ۳۰۷ صفحه، (زمان ۱۳۰۸)

شابک: ISBN : 978-622-7361-40-7

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

موضوع: داستانهای فارسی - قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: PIR ۸۳۳۴ رده‌بندی دیویی: ۸۳۳/۶۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۴۵۳۱۸۴

موقعیت‌ها و تصمیم‌ها...

سال‌ها قبل تکه‌ای جالب در کتاب رومن رولان خوانده بودم که در ذهنم مانده و مضمونش چنین بود:
در جهان عدالتی نیست: زور، حق را در هم می‌شکند!
پس بسیاری خود را به دست سرنوشت سپردند و گفتند
که «چرا باید تلاش کنیم؟ هیچ چیز دلیل چیزی نیست...
باید بدون فکر خوش باشیم!» اما آنان که مقاومت کردند،
می‌دانند که راه ایمان وجه مشترکی با خوشبختی ندارد.



عدالت از آن کلماتی است که در عمل به سختی
می‌توان معنای واحدی برایش یافت. هر کس عدالت را
آن گونه می‌خواهد و تفسیر می‌کند که خودش دوست
دارد. فقط کافیست این ترازوی عدالت به بشوئنه قانون
به دست هر یک از ما سپرده شود تا آن وقت ببینیم چگونه
و با چه انصافی آن را جاری می‌کنیم (که بی‌شک نتایج
مشابهی ندارد!)

قرار گرفتن در موقعیتی که به هر دلیلی، ما را تصمیم
گیرنده جریان عدالت ساخته بسیار سخت است و سخت‌تر
از آن، شنیدن توصیه‌های ضد و نقیض دیگران است. یکی
می‌گوید حق را باید ستاند، حتی اگر نامش انتقام باشد.
دیگری مدعی است که رها کردن و گذشتن نشانه
انسانیت و به عدالت نزدیک‌تر است و آن دیگری با
توصیه‌ای متفاوت!

همه این توصیه‌ها بدون شک دلیلی پشت سر خود
دارند اما هیچکدام از آن افراد به فردای تصمیم گیرنده

فکر نمی‌کند، یعنی نمی‌توانند فکر کنند. در واقع خود شخص تصمیم گیرنده هم نمی‌داند که روزگارِ فردایش تحت تأثیر تصمیم امروز چگونه خواهد بود: آیا اگر انتقام بگیرم به آرامش می‌رسم؟ آیا با گذشتن به حسی آرام کننده خواهم رسید؟ همه اینها سؤالاتی است که جوابش مثل یک رازِ سر به مهر در فرداها سر باز خواهد کرد. هیچ‌کس نمی‌داند و فقط توصیه‌های خاص خود را دارند و این شخص تصمیم گیرنده است که باید خود را در مرحله این آزمون قرار دهد.

شاید کلام رومن رولان فرانسوی قابل تأمل باشد که به هرحال قرار نیست از این جهان انتظار عدالت همگانی داشته باشیم و آنچه پیش می‌آید را یکی ظلم مطلق می‌نامد و دیگری عین عدالت!

امروز با قصه‌ای روبرو هستیم که نویسنده، قهرمان داستان را در موقعیتی خاص و سخت قرار داده است. از آن موقعیت‌هایی که در مفهوم حق و عدالت پرسش ایجاد می‌کند. آیا گرفتن حق و اجرای انتقام همان چیزی است که در نهایت روح مرا به آرامش می‌رساند؟ یا راه دیگری وجود دارد؟ داستان با نگاهی به عوامل یک تصمیم و عواقب آن، مخاطب را به این فکر وادار می‌کند که به راستی تصمیم درست چیست؟ چه کسی تعیین می‌کند که درستی یک تصمیم را چگونه باید فهمید و نتایج آن بر روح و روان شخص چه خواهد بود؟

همه این چالش‌ها در رمانی که بر بستر درام قصه‌اش را گفته، می‌تواند مخاطب را به خوبی درگیر قصه سازد. پس همراه قصه‌اش شوید و خود را برای تصمیم‌گیری در شرایط قهرمان داستان بیازمائید.

بهمن رحیمی

فروردین ماه ۱۴۰۳ - تهران

لعل رحیمی